

# در باب کتابخانه اسکندریه

## متن سخنرانی دکتر پانایوتیس نیکولوپولوس رئیس کتابخانه ملی یونان

در زمان باستان کتابخانه‌ها بیشتر جنبه بایگانی و محل جمع آوری نسخ را داشته‌اند. (از جمله کتابخانه سوریه). اولین کتابخانه‌های یونان در آتن و جزیره ساموس تأسیس شد. ولی اولین کتابخانه‌ای که می‌توان گفت شکل امروزی داشته، به دست ارسطو و افلاطون در قرن چهارم پیش از میلاد ایجاد شد. در سال ۳۳۲ قبل از میلاد اسکندر مقدونی دستور ساخت شهر اسکندریه را داد که کتابخانه اسکندریه نیز جزو آثار مهم این شهر به حساب می‌آمد. هدف از تأسیس کتابخانه مزبور نشر و گسترش فرهنگ یونان در کشورهای تحت نفوذ اسکندر مقدونی بود. این کتابخانه در آغاز قسمتی از موزه اسکندریه بود و نیز محل گردمایی روحانیون و عالمان و تدریس و تحقیق بود. اگر چه فانوس دریایی اسکندریه جزو عجایب هفتگانه دنیاست، ولی از نظر یونانیان کتابخانه اسکندریه از اهمیت بیشتری برخوردار است. پس از تأسیس کتابخانه اسکندریه، کتابهای بسیار زیادی از کتابخانه‌های دیگر از جمله قسمت عظیمی از کتابخانه ارسطو به این کتابخانه منتقل شد. توسعه این کتابخانه به حدی سریع بود که در حدود قرن سوم، متون جمع‌آوری شده به ۲۰۰۰۰۰ یا ۴۹۰۰۰۰ نسخه می‌رسید. البته در آن زمان نوشته‌ها به صورت کتاب جمع‌آوری نمی‌شد بلکه روی کاغذ پاپيروس نوشته و حفظ می‌شد و طول متوسط این متون حدود ۵ متر بود که تقریباً یک تراژدی باستانی یونانی در آن جا می‌گرفت. یکی از دلایل توسعه کتابخانه این بود که طبق قانون وضع شده هر کشتی که به اسکندریه می‌رسید باید نسخه‌ای از کتابها یا متونی را که در اختیار داشت به کتابخانه اهدا می‌کرد؛ بسیاری از اوقات پس از دوباره نویسی از روی نسخ مزبور، نسخه اصل در کتابخانه نگهداری می‌شد و نسخه دوم را به صاحب اصلی (کشتی داران) پس می‌دادند.

یکی دیگر از دلایل شهرت کتابخانه اسکندریه این بود که فلاسفه‌ای که در این مرکز کار می‌کردند کارشان تنها به نسخه‌برداری محدود نمی‌شد، بلکه مسؤلیت تصحیح نسخ را نیز به عهده داشتند و به همین دلیل متون این کتابخانه کمتر از متون

خانم شیمیل در باره عارف ترک زبان «یونس عمره» شاعر آواره و ملی منتخب یونسکو در سال ۱۹۹۱ به عنوان مرد سال، منتشر شده است. عنوان این کتاب «سیاحت همه ماه یونس عمره» است که نویسنده طی اقامت کوتاه در سویس نگاشته است. علاقه خانم شیمیل خیلی زود به شاعر هندو اسلامی و فیلسوف و سیاستمدار پاکستانی محمد اقبال، پدر فرهنگی آن کشور جلب شد. در سال ۱۹۵۷ که در ترکیه به سر می‌برد برگردان درخشانی از مهمترین اثر جاودانه او پیرامون «معراج حضرت محمد» به شیوه‌ای نوین ارائه داد. در سال ۱۹۵۸ تفسیر همین کتاب را به زبان ترکی و در ۱۹۶۳ کتابی پیرامون احوال اقبال به انگلیسی با عنوان شاعرانه «بال جبرائیل» منتشر کرد. این کتاب عمیق به رغم گذشت سی سال هنوز ذره‌ای از اعتبار خود را از دست نداده است. در سال ۱۹۸۹ درست هنگام صدمین سالگرد تولد اقبال انتشارات دیت ریس گزیده‌ای از کتاب پیام مشرق او را به زبان آلمانی منتشر کرد و اخیراً نیز نسخه آلمانی بال جبرائیل را البته با تغییرات تازه‌ای با عنوان محمد اقبال شاعر و فیلسوف پیام‌گونه منتشر کرده است. او در سال ۱۹۴۰ دو جلد کتاب کوچک را که یکی گزیده‌ای از غزلیات و رباعیات زیبا به سبک فارسی است با محتوایی مشابه گفتگوهای میان «مرید و مراد» به چاپ رساند و کتاب دیگری را به نام آیین ماه مشرق که در برگزیده اشعار انگلیسی با موضوعات مشرقی ولی به سبک نو و بدون قافیه است چاپ کرد. این کتاب شامل قطعات زیبای شاعرانه از قبیل نامه‌های لیلی و مجنون به بکدیگر و همچنین قطعاتی از شیرین و فرهاد و یوسف و زلیخا است. آنچه که خانم شیمیل اعم از فرهنگی یا مذهبی نگاشته، در خدمت ایده‌ای بس بزرگوارانه است. ایده‌ای که برای تفاهم میان ملل جهان و برقراری آشتی میان آنان به خدمت گرفته شده است. بر اساس گفته خودش «شعر جهانی، آشتی جهانی است». او شعر جهانی را برگردان کرده است و حتی جهان اسلامی را در درجه اول از طریق شعر برای ما و حتی برای نسلهای آتی دوست داشتنی بیان می‌کند. کتابهایش ۷۰ یا ۸۰ و شاید بالغ بر ۱۰۰ جلد می‌شوند که به برابری با اسمای زیبای خداوند می‌رسند. خانم آناماری شیمیل معجزه‌ای است. او به شیوه خود و طبق سنت اسلامی معجزه می‌کند. معجزه‌ای مجاز که در اسلام سحر جلال نامیده می‌شود. معجزه‌ای اسرار آمیز و ماورای قدرت انسان، انسان کامل.

دیگر در طول تاریخ دست خوردگی پیدا کرد

سومین دلیل اهمیت کتابخانه مزبور این بود که قدمت متون مختلف حتی تا قرن پنجم قبل از میلاد نیز می‌رسید. دلیل این امر هم این بود که در این دوره زبان آتیکی تبدیل به یونیون شده و نسخ قبل از این دوره احتیاج به ترجمه داشتند و به همین خاطر فیلسوفان در این مرکز نقش بسیار اساسی در تغییر لغات به زبان جدید داشتند؛ این امر بخصوص در متون ادبی و شعر دیده می‌شود و می‌توان گفت که سنت ادبی یونان از آنجا سرچشمه گرفته است، بدین معنا که متون قدیمی یونانی بازنویسی شده و هیچگاه متن اصلی مورد استفاده قرار نگرفته است و به همین دلیل می‌توان این متون را قدیمی خواند. یکی دیگر از مفیدترین و مهمترین کارهای متخصصان، تشخیص اصل بودن متن بود که با علامت «→» مشخص می‌شد، همچنین توضیحات و تصحیحات هر قسمت هیچگاه در حاشیه متن نوشته نمی‌شد، بلکه در متن جداگانه مکتوب می‌شد. به همین دلیل متون قدیمی بسیار متعدد و متفاوتی وجود دارد که برای خواندن آنها باید کتاب با متن ضمیمه هر قسمت را نیز مطالعه کرد.

کتابخانه اسکندریه در دوره‌های مختلف مورد حمله قرار گرفت و قسمتی از آن نابود شد. ژولیوس سزار فرمان آتش زدن کشتی‌های یونانی را صادر کرد و این آتش سوزی توسعه یافت به طوری که قسمتی از کتابخانه را نیز در بر گرفت. از جانب دیگر آنتونی برای اهدای هدیه‌ای بزرگ به کلئوپاترا قسمتی از کتابخانه مهم "پرقامین" را به اسکندریه آورد تا خرابیهای ژولیوس سزار را جبران کند. هنگام ظهور مسیحیت کتابخانه اسکندریه از مجموعه‌ای بسیار غنی برخوردار بود و تعداد متنابهی از کتابهای مذهبی و انجیل به آن اضافه شد. می‌گویند که در سال ۶۴۲ با حمله اعراب قسمتی از این کتابها نابود می‌شود اما این ادعا صحت ندارد، زیرا در این دوره اسکندریه اهمیت خود را از دست داده و پایتخت به مصر تغییر پیدا کرده بود، به همین دلیل کتابخانه نیز دیگر مرکزی نداشت. با وجود همه این مسائل این کتابخانه به فعالیت خود ادامه می‌دهد و حتی در دوره بیزانس نیز یک مرکز فرهنگی، علمی و فلسفی به حساب می‌آید و بخصوص از اواسط قرن دهم دوباره اهمیت خود را باز می‌یابد.

جامعه یونانیان همیشه در اسکندریه از قدرت خاصی برخوردار بود که تا دوره عبدالناصر ادامه می‌یابد؛ در این دوره است که ناصر فرمان خروج یونانیان را صادر می‌کند. در سال ۱۹۸۷ شورای وزرای علوم کشورهای عضو سازمان ملل تحت

نظر یونسکو تشکیل می‌شود و وزیر علوم وقت یونان، آقای تریچیس موافقت یونان را برای احیای کتابخانه اسکندریه اعلام می‌کند؛ ولی این موافقت همراه با پیشنهاد دیگری است که برای یونان و فرهنگ یونان اهمیت خاصی دارد. وی پیشنهاد می‌کند که کتابخانه‌ای با نام "مرکز بین‌المللی تفکرات یونانی" تأسیس شود. پس از چندی با این پیشنهاد موافقت می‌شود. در زمان مبارک، این کتابخانه را احیا می‌کنند و در سال ۱۹۸۸ پیشنهاد بازسازی و احیای کتابخانه به سازمان یونسکو ارائه می‌شود. در سال ۱۹۹۰ شورای بین‌المللی در اسوان تشکیل می‌شود و آغاز کار و نوسازی آن را اعلام می‌کنند.

شورای بین‌المللی کتابخانه اسکندریه ۳۰ عضو دارد که اشخاص برجسته و مشهور دنیا از جمله میتران، همسر حسنی مبارک، کارولین موناکو، رهبران امارات، رئیس جمهور عراق و ...، در آن عضوند. نماینده یونان در این شورا خانم ملینا مرکوری است.

هیئت اجرایی کتابخانه از ۱۵ نفر تشکیل شده است: رئیس برنامه ریزی کتابخانه از طرف سازمان یونسکو انتخاب می‌شود و ۵ نفر مصری و ۹ نفر دیگر از کشورهای دیگر از جمله یونان، فرانسه، ایتالیا و کشورهای دیگرند. اعضای دبیرخانه آن از طرف یونسکو تعیین و از میان مصری‌ها انتخاب می‌شود بدین ترتیب حضور یونان فقط محدود به یک عضو (آقای کیورنیاستیس) شده است، ولی با فعالیتهای زیاد ایشان بخش یونانی در این کتابخانه پیش بینی شده است. کتابخانه دارای سه بخش یونانی، عربی و اسلامی است. در حال حاضر پیشنهاد یونان این است که کتابخانه چون همیشه به صورت بین‌المللی عمل کند و فرهنگ و زبان همه ملل در آن گنجانده شود. برای نوسازی و تکمیل این کتابخانه ۱۵۰ میلیون دلار لازم است که در حال حاضر ۵۰ میلیون آن از طرق مختلف تأمین شده است. به طور مثال عربستان سعودی ۲۰ میلیون دلار - عراق ۲۱ میلیون دلار - امارات عربی ۱۵ میلیون دلار و یک شخص عرب ۳ میلیون دلار اهدا کرده‌اند. آقای نیکولوپولوس در پایان اشاره کرد با در نظر گرفتن اینکه حق رأی بر اساس میزان کمک مالی کسب می‌شود، متوجه می‌شویم که چقدر تبلیغات اسلامی قوی است. یونان کمک مالی به این طرح نمی‌کند و فقط از پشتیبانی یونسکو برخوردار است و تنها یک قسمت از این کتابخانه برای یونانیان که مؤسس کتابخانه بوده‌اند حفظ شده است.